

متن پیاده سازی شده جلسه سوم سال دوم درس خارج فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی 30 مهر ماه 1401

برای دریافت فایل pdf [کلیک کنید](#)

موضوع: ضمان جانی یا پزشک نسبت به صدمات پزشک و مصدوم برای معالجه و درمان (پرونده ششم)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا  
پزشک و جانی حدود ضمان تا کجا؟

اگر مستحضر باشید پرونده ششم و پرونده اول امسال این بود که آیا پزشک، نسبت به صدماتی که ناچار است به بدن مصدوم وارد کند تا او را مداوا کند؛ ضامن است؟ پزشکی هم مثل بنایی است که باید اول خراب کرد تا بتوان بنای جدید ساخت و اصلاح کرد. سوال این است که آیا جانی هم نسبت به این صدماتی که پزشک برای درمان وارد میکند، ضامن است؟ به تعبیر پایان نامه نویس ها هم بیان موضوع کردیم، هم اقوال را گفتیم و هم به نوعی ادله را واری کردیم. مساله هم مساله مهمی است من فکر می کردم دادگاه ها نظرشان به عدم ضمان است چون منابعی را هم که هفته گذشته اعلام کردیم، همین بود از اداره حقوقی قوه قضاییه و نظریه قضایی استان لرستان و موردهایی که بود... روشن کننده مطلب بود.  
یکی از دوستان گفته رویه قضایی در دادگاه ها واحد نیست؛ برخی قضات جانی را در این حالت، ضامن حساب می کنند. و حکم به ضمان او می کنند. به هر حال رویه قضات در جمهوری اسلامی بر عدم ضمان است.  
ما این جا قاضی نیستیم ولی می خواهیم مساله را بفهمیم. سوال این است: چه باید کرد؟  
آیا جانی را ضامن بدانیم یا نه؟ بحث ما دیه و ارش و این ها نیست؛ این ها را جانی داده است. بحث بر سر صدماتی است که پزشک می خواهد بر مصدوم وارد کند البته برای درمان .

این ها می گفتند: وقتی اراده فاعل مختار فاصله شده، این جا نمی تواند جانی ضامن باشد. این شعار است در فقه شیعه: سبب وقتی ضامن است که مباشر مختار اقوا نباشد و الا اگر مباشر باشد چرا سبب، ضامن باشد؛ این مساله جاهای مختلف به کار می آید. مثلا مادر و پدر به نزد پزشک می روند؛ مادر می گوید من حامله شدم ناخواسته؛ بچه من را اسقاط کنید! و پزشک هم نسخه ای می نویسد و می گوید این دارو ها را بگیرد و فلان آمپول را هم که تزریق کردید فرزند ساقط می شود. این ها نسخه را می گیرند و نزد داروخانه میروند و به هر حال فرزند را اسقاط می کنند؛ سوال این است؛ این جا چه کسی ضامن است؟

پدر و مادر؟

پزشک؟

داروخانه؟

تزریقاتی؟

می گویند چون مباشری به نام تزریقات چی واسطه شده، او ضامن است.

حالا اگر پزشک گفت: من خودم این کار را برعهده می گیرم؛ پزشک ضامن است

اگر پدر زد؛ پدر ضامن است....

ما از این طریق می خواهیم اشکال بگیریم بر برخی ادعاها.

واسطه شدن مباشر مختار، فعلش حرام است؛ و موجب ضمان است. مثل مثالی که زدیم؛ اینجا سبب ضامن نیست؛ ولی اگر مباشر فعلش مباح است؛ موجب ضمان نیست؛ این جا نمی توانیم بگوییم واسط مختار مباشر شده... در همین بحث آیا کسی حاضر هست بگوید پزشک ضامن است؟

در هر حال فرض ما این است که شرایط پزشک برای این کار جمع است. و لذا کسی پزشک را ضامن نمیداند و ما هم او را ضامن نمی دانیم. حتی فتوایی هم که از آیت الله مکارم خواندیم و گفتیم ضامن است، پزشک را نگفتیم که ضامن است اگر پزشک ضامن نیست چرا سبب، ضامن نباشد؟

این را دوست دارم دقت کنید: عدم ضمان سبب در وقت واسطه شدن مباشر مختار مربوط به وقتی است که مباشر مختار، ضامن است.

اگر پزشک، ضامن نیست، این جا چه اشکال دارد که بگوییم جانی ضامن است؟

اگر بخواهیم بگوییم جانی ضامن است، دلیل چه می تواند باشد؟

دلیل استناد جنایت به این شخص است

جانی وقتی آمد و ضربه ای به مصدوم زد و این ضربه مثلا باعث شد کلیه ها آسیب ببینند، و الان پزشک می خواهد این شخص را مداوا کند و اگر این کار را نکند این بیمار خواهد مرد؛ سببش این است؛ عرف و عقل هم این داستان را به جانی نسبت می دهند که باید ضامن باشد.

و یک قیاسی است: الجانی سبب... والسبب ضامن... فالجانی ضامن.

اگر این طور باشد این رویه دادگاه ها و نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه و... نظرات قضات و.. نظر فلان استان و... است ولی مانع یک مساله ای است که واقعا آدم را درگیر می کند و آن مانع این است که ما در جنایات وقتی از طرف شارع به ما گفته شده که مثلا کسی دست کسی را قطع کند نصف دیه کامل را دارد یا ریش یک نفر را باعث شود بریزد ارش دارد یا انگشت کسی را آسیب بزند... ده تا شتر دیه دارد... غیر از ارش و دیه آیا ما میتوانیم، چیزهای دیگری هم بیاوریم؟

این موضوع هم بحث ما است هم بحث روز دنیا است. جالب هم هست که بیش از چهل سال است دارد صحبت می شود و هنوز هم جای کار دارد؛ من یادداشت هایم را نگاه می کردم سال 94، یک بحثی در همین مرکز داشتم با عنوان قواعد فقه سیاسات، مفصل بحث شده؛ ما آن جا گفتیم دیه و ارش جای خودش... خسارات مازاد بر دیه و ارش هم جای خودش؛

برخی معتقدند در این پروسه باید موضوع از کارافتادگی هم اضافه شود. و جالب هم این است که همه این ها دلیل دارد. و هیچکدام از این ها بی ضابطه نیست؛ مثلا همین قانون سببیت را اگر زنده اش کنیم یا قانون لاضرر... آن جا که لاضرر دال بر ضمان هم هست... آقای فاضل تونی در رسائل این را مطرح کرده است این حرفی است و برخی روایات خاص را هم داریم که خرج طبیب را هم باید داد... به هر صورت واقعیت این است که من به ضمان در این باره نرسیدم.

ظاهرا شارع مقدس وقتی تعیین خسارت می کند؛ تمام است. در دنیا هم برای خسارت ها تعیین خسارت می کنند و تا قیام قیامت جانی را مقصر نمی دانند چون احتمال دارد مثلا دو سال دیگر این مصدوم یک صدمه ای ببیند و بگویند این متعلق به همان کار جانی است. به نظر می رسد همانی را که شارع تعیین می کند، همان است

به هر حال ما نرسیدیم به ضمان و در این باره ادبیات تولید شده هم هست و دست ما خالی نیست؛ حتما مقاله و پایان نامه هست... کسی بخواهد کار کند منبع هست؛ آیت الله شاهرودی مقاله دارند و فتاوا هم الی ما شاء الله از آقایان هست؛ در هر حال اگر نپذیرفتیم خسارات مازاد بر دیه را در این جا، کار سخت می شود.

در فرضی که الان ما داریم بحث می کنیم متعلق به جنایتی که جانی وارد کرده، نیست متعلق به صدمه ای است که پزشک وارد کرده است... من دو نکته را به شما بگویم مخصوصا دومین نکته گم نشود؛... نکته اول برخی وقتها جانی یک جنایت می کند مثلا یک لازمی دارد لازمی طبیعی... این جا می گوییم مازاد بر دیه بر عهده جانی نیست.

فرض کنید جانی صورت کسی را زخم میکند و جانی دیه صورت شخص را میدهد ولی از زیبایی مصدوم هم کم می شود. و الان این مصدوم می خواهد برود و جراحی زیبایی کند و... اما برخی وقتها هست یک جنایت جانی انجام میدهد و این جنایت باعث جنایت دیگری می شود که آن خرج دارد و دیه دارد... مثلا فرض کنید چاقو به صورت کسی می زند و این کار باعث می شود که دندانهای فرد هم بشکند... دندان شکستن ربطی به چاقو زدن به صورت ندارد این جا اگر چاقو زدن دیه و ارش

دارد...شکستن دندان هم مجازات خاص خود را دارد  
من گفتم مازاد بر ديه ،جانی ضامن نیست اما اگر جنایتش یک جنایت دیگری را بیافریند که او خود مستقل ضامن و ديه و ارش  
دارد ، قطعاً جدا محاسبه می شود.

موضوع ديه و ابهام در مقدار ديه انسان ؛ آیا همچنان بر طبل صد شتر به عنوان ديه مبنا بکوییم؟!  
نکته دوم این است که ديه انسان کامل چقدر است؟ شش نوع ديه داریم که اصل آن همان 100 شتر است.  
الان هم که میدانید جمهوری اسلامی ایران اول سال که می شود از طبس و از سیستان و بلوچستان و گرگان و نواحی که  
شتردارد قیمت شتر را می گیرند و ضربدر صد می کنند ...  
مطلبی که هست این که شتری که صدر اسلام صد نفر از آن قیمت یک انسان بود شتری بود که گوشتش ، مطبوع بود؛ شیر آن  
ارزشمند بود ، بول آن دارو بود و خود شتر هم وسیله بار بود. مهم این بود که وسیله حمل و نقل بود . اما الان شتر از گوشت و  
شیر و کرکش که بگذریم باربر بودنش از بین رفته است.

ما روایات متعدد داریم که امام میفرمایند یا صدشتر یا دویست گاو ...و در روایتی هست که معادل آن دو هزار گوسفند است  
...یا 750 مثقال طلا ....وقتی این ها را با هم مقایسه می کنیم این ها به هم نمی خورد!!  
..بحث این است که ارزش گاو و گوسفند تغییری نکرده است...تنها موجودی که از آن شش کالا تغییر کرده است شتر است.  
اگر شتر به مقداری تنزل کرد که شد معادل یک گوسفند ؛ سوال این است که آیا بازهم معیار شما همان صد شتر است؟!شرع  
مقدسی که شتر را معیار قرار داد فرمود : یا دویست گاو ...یا هزار گوسفند معادل صد شتر ....برخی چیزها بالا و پایین می  
شود در بحث های فقهی باید حواسمان به این معادلات باشد .

زمان قدیم پارچه این قدر ارزشمند بود که نباش (کسی که نبش قبر می کند و کفن می دزدد) دو ر از چشم داروغه و...اقدام به  
شکافتن قبر می کرد و کفن را می دزدید.آیا الان هم پارچه این قدر ارزشمند است؟  
اگر گفتند 200حله (400 حوله)؛ آیا می تواند حکم ابدی باشد؟

انتخاب ديه هم بر عهده جانی است و او هم زرتنگ باشد و این مورد آخر را انتخاب کند آیا واقعا این کار صحیح است از لحاظ  
قیمت و ارزش و...؟

یا خط تلفن زمان قبل از انقلاب به حدی ارزشمند بود که به نظرم می شد بیست آپارتمان با قیمت آن خرید چون یک مورد بود  
که یک و نیم میلیون تومان فروش رفته بود....

این ها را باید دقت کرد ....

نتیجه این می شود که به نظر می رسد قیمت ديه خیلی بالاتر از این ها است.

هفته آینده می خواهم روی این بحث کار کنیم و بسیاری از فتاوایی که این جا ما داریم ، این است که مثلا برخی از پزشکان در  
بدن مریض چیزی را جا می گذارند موضوع این است که در این صورت وضعیت ضامن پزشک چه می شود؟  
در این باره پرونده بسیار است.

**الحمد لله رب العالمين**